

شبهه ۲۴ خرداد ۱۳۹۹  
شماره ۱۴۴۱  
سال سوم و ۱۰۰  
شماره ۹۴۷  
ZENDEHER@QUDSONLINE.IR

فوری و فوتی

بدآموزی دارد



**فواد آگاه:** مسا الان نگرانیم میاها پخش برخی صحنه‌های دادگاه «طبری» بدآموزی داشته باشدا منظورمان البته آن قسمت‌هایی نیست که مجرم یا متهم به فساد اقتصادی، چشم در چشم قاضی و دوربین‌های خبرنگاران مدعی می‌شود ۲۰ سال خدمت صادقانه در پرونده‌اش دارد، حتی منظورمان آن قسمت‌هایی نیست که طبری می‌گوید دوستانی دارد بهتر از برگ درخت و این دوستان حاضرند با یک اشاره، همه ویلاهای لوسان بلکه خود لوسان و بلکه‌تر، ایران را به پایش بریزند و سند شش‌دانگ به نامش بزنند. منظورمان دقیقاً قسمت آخر حرف‌های طبری است که می‌گوید: «اگر شما چنین دوستانی ندارید، مشکل خودتان است و به من ربطی ندارد!»

یعنی نگرانیم همین جمله، خدای ناکرده، زبانه لال، برخی مسئولان را در برخی سازمان‌ها و دستگاه‌ها تحریک کند بروند دنبال چنین دوستان دست و دلبازی بگردند که حاضر باشند به حال هندویی، سمرقند و بخارا و لوسانات را اسند بزنند.

بنابراین به برخی مسئولان توصیه می‌کنیم به جای اینکه بگردند و دوستانی از جنس دوستان طبری برای خودشان پیدا کنند، دنبال «طبری»‌هایی بگردند که ممکن است در سازمان با دستگاه زیر نظرشان به کار مشغولند و هنوز دستشان رو نشده است... همکارانم از اتاق فرمان اشاره می‌کنند که «چرا الکی تشویب و نگرانی ایجاد می‌کنی؟ چرا مردم و برخی مسئولان را به هم بدبین می‌کنی؟ شاید یکی دوست داشته باشد لوساناتش را که نه، شمیرانات و غیره‌جاتش را اسند بزند به نام دوست و رفیقش...». غلط نکنم همکارانم زودتر از بقیه به فکر دوست‌یابی افتاده‌اند!

روزمره نگاری

کاش می‌شد برای «هریدا» چای ریخت

**رقیه توسلی:** کاش می‌شد بعضی شخصیت‌ها را از وسط کارتونها بیرون کشید و باهاشان گپ زد و جای خورد. مشغول تماشای انیمیشن «فصل شکار» هستم. کارتونی که ویرم گرفته امروز پایش بنشینم. از آن روزهاست که دلم هوای دنیای بهتری کرده. جایی که بشود فارغ از زمان و مکان، تویش غرق شد... لذت برد... از ته دل خندیدی... بچگی کرد... «آبان» شد... «گل ترمه» شد... کرونا را فراموش کرد.

اول صبحی انگار قفسه کارتونها صدام زدن آن وقت من ماندم و «پاندای کونگ‌فوکار» و «دایسر» و «اتانویی» و «فصل شکار» و «فردیناند» که دلبریشان از بقیه بیشتر بود. البته که گلچین کردن بین «پو»، «مریدا»، «رمی» و «بوگ» برام آسان نبود بس که خاطر همه‌شان را می‌خواهم و هر کدام حال و هوای قشنگ و داستان جذاب خودشان را دارند. اما آگو چارلی غیر از انتخاب؟

سر پنج راه گزینش که قرار گرفتن چشم‌هایم را بدستم تا بین سفر به جنگل، کوه و دشت، قلم فرمان آخر را بدهد. که آنی دوروبرم پر شد از صدا، بله، انگار تا به خودم بچشم کودک درونم دست به‌کار شد و حالا هم هیجان‌زده و کیفور دارد جملات «بوگ» و «الیوت» را تقلید می‌کند. کودکی که کارتون فصل شکار را گذاشته توی دستگاه و وسط کوسن‌های رنگی محو مکالمات باحال خرس و گوزن است. کودکی که خوشحالی دارد از نگاهش می‌ریزد. کودکی که قصه دوست دارد، دور شدنش از مرآت دنیای آدم بزرگ‌ها را، شوخی را، شیطنت را!

کودک درونم مبهوت سکانس‌هاست و به سه فصل دیگر این کارتون دلش را خوش کرده اما نپوشیده درونم پرتوقع‌تر از این حرف‌هاست و زیر گوشه‌های می‌غرولند می‌کند. کاش با بعضی شخصیت‌های کارتونی می‌شد قرار گرفت‌وگو گذاشت. مثلاً رفت برای «مریدا» چای ریخت و به او گفت چه خوب است شاهزاده‌وار رفتار نمی‌کنی و به تیروکمان علاقه داری و این قدر، ماهرانه اسب سواری بلدی. یا سراسبز «رمی» را ببوی توی آشپزخانه‌ات و از او تقاضا کنی که با رزماری و مرزنجوش و برگ بو برایت جادو کند. بخوای پیش غذای، دسری، کسوله یا استیکی یادت بدهد. یا با «فردیناند» مهربان از رینگ مبارزه و قدم زدن توی چمنزار حرف زد.

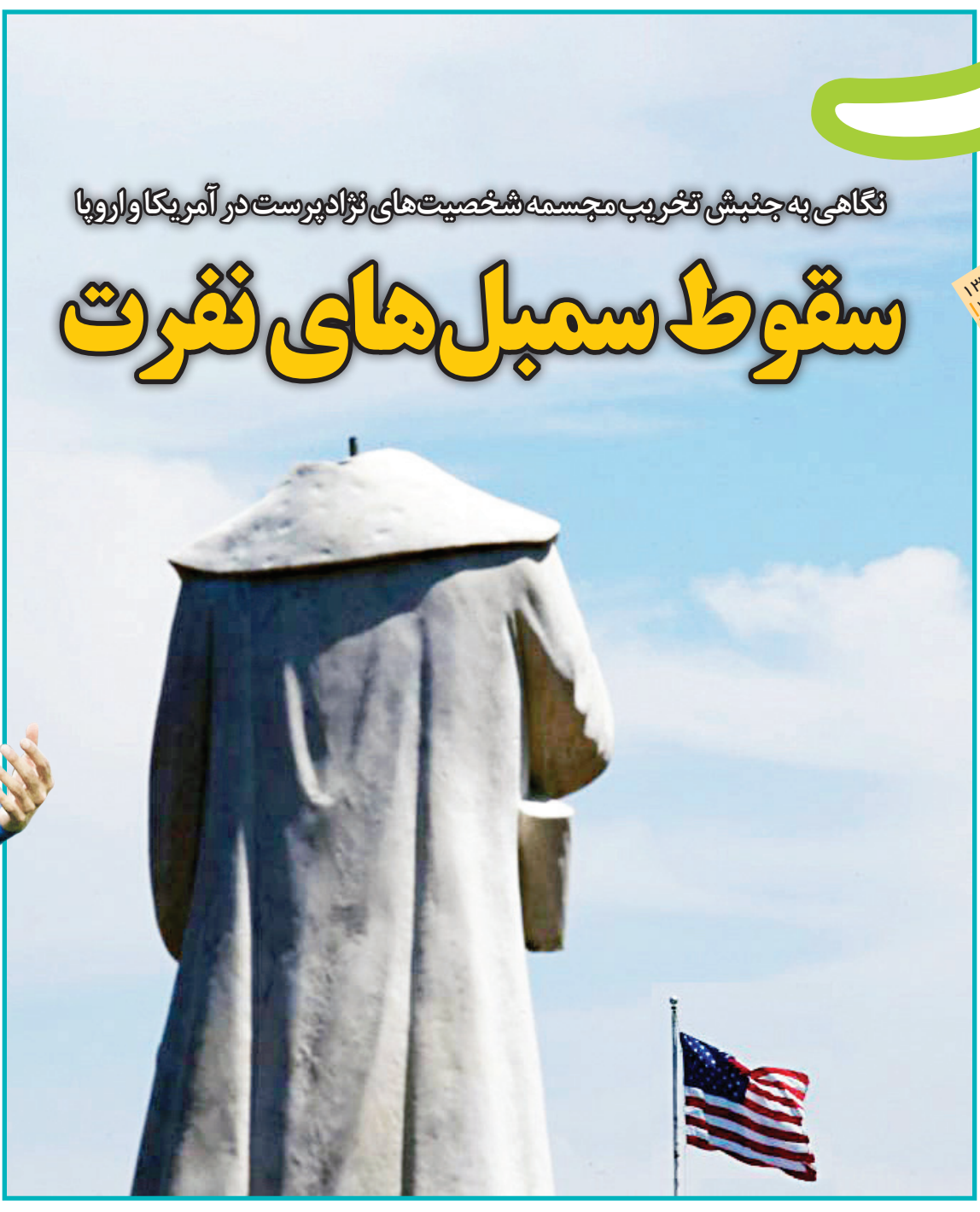
کودک درون روی کتابه غرق صفحه نمایشگر است و دارد کیف می‌کند از سروکله زدن‌های بوگ و الیوت اما نپوشیده درون، دست تکان می‌دهد برای قفسه کارتونهاهایی که روزش را ساختند و از خودش می‌پرسد: فرهنگستان زبان و ادب فارسی چرا معادل «پویانمایی» را برای «انیمیشن» برگزید؟

حکایت امروز

سخت‌تر از والفجر

**قدس زندگی:** ایسن مطلب همان قدر که شاید بدون رعایت نکات نگارشی و املائی و اشتباهی نوشته شده، همان قدر هم البته صمیمانه، رک و راست و بی‌تعارف از یک مشکل شهری گلایه می‌کند و خطابش هم به مسئولان شهری است و هم به برخی شهروندان کم توجه به وظایف و حقوق شهروندی. در صفحه توئیتر «سید امیر-جانباز جنگ خمیلی» می‌خوانیم:

«باید به قانونی بود که حداقل ماهی یک روز مسئولین شهرداری و شهرداری با ویلچر برن تو خیابونا تا شاید بفهمن این شهری که ساختن چه هزینه‌های واصله ویلچرنشینان. امروز رفته به خورده میوه بخرم، پوله از عملیات والفجر هشت سخت‌تر بودا ترا به روح تختی، جلوی پل‌های ورودی به پیاده‌رو ماشین پارک نکنید. در کلاشهر تهران ۶۰ درصد ادارات و سازمان‌های دولتی و نیمی از بانک‌ها و دستگاه‌های خودپرداز امکانات حداقلی برای ویلچرنشینان ندارند. مراکز خریدهای روزمره که بماند. ولی تاژی‌ها پارک ماشین در پیاده‌روها و جلو پل‌های ورود به پیاده‌رو هم مزید بر علت شده... تا کسی یک روز روی ویلچر در شهر نرچد نمی‌فهمد یک معلول برای حضور در شهر چه مشکلاتی دارد. به دریا رفته می‌داند مصیبت‌های طوفان را.»



سقوط سمبل‌های نفرت

نگاهی، به جنبش تخریب مجسمه‌های نژادپرست در آمریکا و اروپا

نمادودستگی

اعتراض‌های سراسری آمریکا را تقریباً هم‌زمان از بر شده‌ایم. مرد سیاه‌پوستی که در روز ۲۵ مه، برای خرید از فروشگاهی در شهر مینیاپولیس، ۲۰ دلار به صاحب مغازه پرداخت می‌کند اما پس از آنکه صاحب مغازه به جعلی بودن دلارها شک می‌کند، با پلیس تماس می‌گیرد. پس از تماس کارمند فروشگاه با پلیس، دو مأمور پلیس از راه می‌رسند و یکی از مأموران با بیرون آوردن اسلحه از جورج فلوید می‌خواهد دست‌هایش را بالا ببرد که جورج فلوید مانع بستن دستبند به دست‌هایش می‌شود و حاضر به نشستن در ماشین پلیس نمی‌شود. جورج فلوید دلیل سوار شدن به ماشین را ترسیدن از فضاهای تنگ و بسته اعلام کرده بود که در این لحظه درک شوین، افسر پلیس فلوید را روی زمین دراز می‌کند و درحالی‌که دستبند بر دستانش بود نقش بر زمین می‌شود. در این حالت چند مأمور پلیس، جورج فلوید را گرفته بودند، درک نشوین زانوی چپ خود را بین سر و گردن او قرار می‌دهد که فلوید پشت سر هم گفته است نمی‌تواند نفس بکشد. پای درک شوین روی گردن جورج بود، در این حالت جورج فلوید تنها توانست هشت دقیقه دوام بیاورد و همان‌جا درگذشت.

دنیا علیه تبعیض نژادی

این قصه کوتاه، تمام چیزی است که این روزها آمریکا را وارد یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های نژادپرستی مردمی در تاریخش کرده است. بحرانی که روز گذشته منجر به اشتغال بخش‌هایی از سیاتل توسط گروه‌های مردمی معترض شد. از حواشی مختلف اعتراض‌های مردمی آمریکا در این روزها زیاد شنیده‌ایم اما ماجرای سرنگونی مجسمه چهره‌های مختلف که به نوعی با جریان‌های نژادپرستی ارتباط داشته‌اند، کمتر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است.

یادبود دوران سیاه

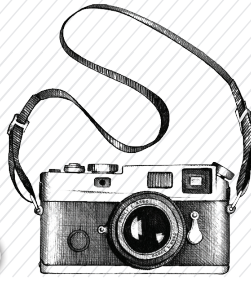
ایالت‌ها و شهرهای مختلف آمریکا پر است از مجسمه‌های یادبود تاجران برده‌داری، سردمداران جنبش‌های نژادپرستانه، قهرمان‌های نژادپرست جنگ‌های شمال و جنوب و بسیاری از نمونه‌های دیگر. مخالفت با نصب مجسمه‌های یادبود دوره‌های خاصی از تاریخ آمریکا که مملو از نژادپرستی است، نخستین بار از نسوی مدافعان تسلاوی حقوق مدنی از اواسط سال ۲۰۱۵ آغاز شد. طرفداران این نهضت تاکنون بارها اقدام به پایین آوردن و یا تخریب این گونه مجسمه‌ها کرده‌اند یا با اسب‌پری‌های رنگ، چهره این مجسمه‌ها را مخدوش کرده‌اند.

از گرمای داشتن یک نسل کش دست بردارید

این اما پایان ماجرای حمله به مجسمه‌ها در آمریکا نبود. پس از این اتفاق، مجسمه‌های «کریستف کلمب» واقع در «سان فرانسیسکو» و «پراوینس» در روز گرامیداشت این کلویشگر مورد حمله قرار گرفتند. معترضان، روز دوشنبه دو مجسمه یادبود «کریستف کلمب» در «سانفرانسیسکو» و «پراوینس» را با پرتاب کردن رنگ قرمز و نوشتن جمله‌های اعتراضی مورد حمله قرار دادند. آن‌ها جمله‌هایی چون «از گرمای داشتن یک نسل کش دست بردارید» و «همه یادبودهای مربوط به نسل‌کشی را

عکاسان خبری از خطرات و جذابیت‌های شغلشان در دوران کرونا می‌گویند

تاریخ به عکاسی بحران نیاز دارد



ورزش

شاه حسینی، عضو کمیته بررسی پرونده فساد فوتبال در گفت و گو با قدس:

مدیران فدراسیون پنهان کاری می‌کنند

یزدانی، مدافع استقلال در گفت‌وگو با قدس:

مدعی قهرمانی هستیم



ابراهیمی: به «لااهلی» قطر بر می‌گردم

با حضور ویلموتس اتحاد در تیم ملی کم شد

مجاز آباد

عمران روشنی مقدم

پس از انتشار تصویر و خبر درنگ خودکشی یکی از کارمندان شرکت نفت-عمران روشنی مقدم - کاربران فضای مجازی با پست‌هایی که چند نمونه‌اش را در ادامه می‌خوانید به این خبر واکنش نشان دادند: آقایونی که توی وزارت نفت حقوق نجومی می‌گیرن و دست نماینده‌های از زده خارج شده رو هم توی مجموعه‌های زیر دستشون بند می‌کنن آیا گوشه‌های شینین صناد این کارگرا دارن...؟ هرچه اکبر طبری‌ها رو بیشتر حلق آویز کنین، کمتر عمران روشنی مقدم‌ها حلق آویز میشن. ننگ بر مستولی که شب راحت سرشو زمین بذاره...»

رفتار کم سابقه

دلنما کی‌ها سابقه خوبی در حمایت از ایران ندارند. ماجرای چند سال پیش توپین یکی از سیاستمداران این کشور به بهیستر اسلحه(ص) را هم که لایذ پادانان دانشگاه اما روز گذشته مدیر مسئول روزنامه جوان توپیتی را منتشر کرد که نشان از رفتار متفاوت و بی‌سابقه دلنما کرد. عبدالله گنجی در توپیتی نوشت: «بالاخره دلنما رک پذیرفت عریستان از تورویسم در ایران حمایت می‌کند و سفیر سعودی را به همین دلیل احضار کرد که بی‌سابقه است. وزارت خارجه دلنما رک: این احضار به دلیل نقش سرکرده‌های گروه تورویستی ال‌اوازیه در تحریک به انجام عملیات تورویستی در ایران و حمایت مالی ریاض صورت گرفت.»

جیغشان در آمد

اگر برایتان سؤال است که آمریکا چرا در سیاست‌های تحریمی‌اش، خودروسازی ایران را هم هدف گرفته و اصرار به تحریم آن دارد، توپیت سیدمحمد حسینی، وزیر اسبق ارشاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران را بخوانید که با انتشار عکسی از بازدید فرمانده نیروی هوافضای سپاه از خودرو، نوشته است: «بازدید سردار حاجی‌زاده از ایران خودرو برای کمک به ارتقای صنعت خودروسازی، جیغ رادیو فردا و دوستان داخلی آمریکا را آورده، چون نگرانند این صنعت با استفاده از توان و تجارب ساخت موشک و... به رشدی برسد که هم نیاز و رضایت مردم را تأمین کند و هم منبع درآمد ارزی مهمی برای کشور شود.»

نیم خودرو

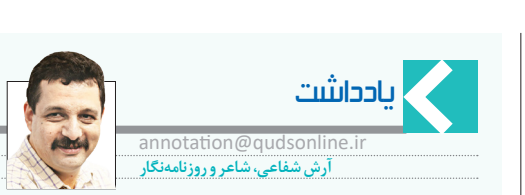
دیروز اخبار تلویزیون پارکینگ برخی از خودروسازان را نشان داد که پر از خودروهایی بود که مثلاً یک صندلی، چراغ، رادیوپخش، آینه‌بغل و... نداشته و ناقص به حساب می‌آیند و به همین دلیل عرضه نمی‌شوند. این در حالی است که نتایج قرعه‌کشی فروش فوری خودرو هم اعلام شده و به‌زودی ممکن است اولین خودروهای قرعه‌کشی شده تحویل برندگان شوند. شاید به همین مناسبت یکی از مجریان جوان تلویزیون، ویدیوی جالبی از یک خودرو نصفه نیمه را در اینستاگرامش منتشر کرده و نوشته: ماشین اولین برنده قرعه‌کشی البته ویدیو را که ببینید متوجه می‌شوید این «نیم خودرو» توانایی‌هایش از برخی خودروهای کامل وطنی بیشتر است.











### پیشه‌هایی برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران

تیرماه با آزاد شدن بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی با قید رعایت اصول و قواعد بهداشتی، به نظر می‌رسد می‌توان به برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به عنوان مهمترین رویداد فرهنگی سالانه کشور فکر کرد.

این رویداد در صورتی که بحران همه‌گیری بیماری کرونا اندکی فروکش کند و تا پیش از رسیدن به فصول سرد سال قابل برگزاری است و البته که باید برای جلوگیری از ازدحام در نمایشگاه، چنان که در سال‌های گذشته اتفاق می‌افتاد، فکر کرد. برای این امر به نظر می‌رسد دو پیشنهاد قابل بررسی و ارزیابی و البته شنیده‌های حاکی است این موضوع در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در حال بررسی است و وزارت ارشاد نیز تمایل دارد نمایشگاه را در فصل تابستان برگزار کند. پیشنهاد نخست می‌تواند این باشد که نمایشگاه به صورت متمرکز و غیرمتمرکز مکانی برگزار شود. مکان نمایشگاه همیشه مسئله‌ساز بوده و هر سال بحث بر سر انتخاب یک مکان که هم بتوان همه بخش‌های نمایشگاه را در آن برگزار کرد و هم مشکلات ترافیکی شدیدی در شهر ایجاد نکند، سوزۀ اصلی بحث‌های مسئولان و اهل قلم بوده است.

شاید امسال بتوان به طور همزمان همه گزینه‌های مکانی برگزاری نمایشگاه را فعال کرد. هم می‌توان نمایشگاه را در مصای بزرگ امام خمینی (ره) برگزار کرد، هم در نمایشگاه بین‌المللی تهران و هم در مجموعه نمایشگاهی شهر آفتاب. برای مثال ناشران عمومی در مصلی باشند، ناشران کودک و نوجوان و ناشران آموزشی در جایی دیگر. به این ترتیب از تجمع غرقه‌ها در یک مکان خاص جلوگیری می‌شود. ناشران عمومی می‌توانند از همه بخش‌های مصای تهران اعم از شبستان و رواق‌ها استفاده کنند. این مسئله البته احتمالاً بار مالی برای ارشاد خواهد داشت و در این خصوص دولت باید نگاهی خاص ویژه به وضعیت فعلی و نظر داشت باشد و اعتبارات لازم را برای برگزاری نمایشگاه تأمین کند. پیشنهاد دوم این است که همه بخش‌های نمایشگاه در مصلی برگزار شود اما در دوره‌های یک هفته‌ای با ۱۰ روزه مجزا، البته طولانی شدن مدت زمان برگزاری نمایشگاه ممکن است مشکلاتی برای مجموعه مصلی ایجاد کند که باید در این صورت، به گزینه‌های جایگزین یا مدیریت زمانی نمایشگاه فکر کرد. برای این خصوص اگر برگزاری دیگرپاره نماز جمعه تصویب شود، به هرحال با توجه به علاقمندی ناشران به برگزاری نمایشگاه کتاب، به نظر می‌رسد می‌توان به راه‌های جایگزین برای برگزاری هر چند محدود و غیرمتمرکز نمایشگاه فکر کرد.

## ادبیات جهان

### آثار نویسندگان سیاه‌پوست پر فروش شد

**ایسنا به نقل از گاردین:** آثار نویسندگان سیاه‌پوست بریتانیایی در سایه اعتراض‌های ضدناژاپرستی اخیر با استقبال مخاطبان روبه‌رو شدند.

رمان «دختر، زن، دیگر» نوشته «برناردین اوارستو» که سال گذشته جایزه «بوکر» را بدست آورد، این هفته در رتبه نخست پرفروش‌ترین رمان‌های جلد کاغذی بریتانیا قرار گرفت. به این ترتیب «برناردین اوارستو» به نخستین نویسنده زن رنگین‌پوستی تبدیل شد که این جایگاه را بدست آورده است. نام «رنی ادو لاج» نویسنده روزنامه‌سیاه‌پوست بریتانیایی نیز این هفته با کتاب «چرا دیگر درباره نژاد غیرداستانی جلد کاغذی بریتانیا قرار گرفت». «دو لاج» نیز به نخستین نویسنده بریتانیایی سیاه‌پوستی تبدیل شد که به این جایگاه دست یافته است. آثار «هاراک ایوما» و «همیش لایوما» (رئیس‌جمهور بیابان آمریکا و همسرش) نیز به همراه «لورین پاسکال» آشپز سیاه‌پوست بریتانیایی در جدول کتاب‌های غیرداستانی جلد سخت با استقبال مواجه شد.

با ادامه جنبش اعتراضی «جان سیاه‌پوستان مهم است» در سراسر جهان، بسیاری از نویسندگان سیاه‌پوست پرفروش درباره صنعت چاپ تحت سلطه سفیدپوستان انتقاد کردند. روز چهارشنبه «دوروتی کومسان» داستان‌نویس پرفروش، صنعت چاپ بریتانیا را «محیطی خصومت‌آمیز برای نویسندگان سیاه‌پوست» توصیف کرد که صحبت‌های او حمایت نویسندگان دیگری را نیز به دنبال داشت. در این بین کارکنان «واترستونز» از بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی بریتانیایخواستند جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است» را مورد حمایت مالی قرار دهد.

## خبر

### آغاز به کار جشنواره کتاب سه دقیقه‌ای «سه تاک»

**ادب و هنر:** نخستین جشنواره دانشجویی کتاب سه‌دقیقه‌ای «سه‌تاک» تیرماه امسال از سوی سازمان انتشارات جهاددانشگاهی آغاز به کار می‌کند.

این جشنواره با هدف ترویج

فرهنگ کتاب‌خوانی و آشنایی و انس بیشتر دانشجویان با کتاب در دو بخش اصلی و ویژه و با استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی برگزار خواهد شد. در بخش اصلی این رویداد کتاب‌خوانی که تیر ۹۹ با عنوان سه‌دقیقه با کتاب اجرا می‌شود، دانشجویان علاقه‌مند می‌توانند بهترین کتابی را که خوانده‌اند در قالب یک ویدئوی سه‌دقیقه‌ای در فضای مجازی معرفی کنند.

برگزیدگان این بخش بر اساس چهار معیار خلاصیت در نحوه ارائه، محتوا، بازخوردهای مخاطبان و نظرات هیئت داوران انتخاب‌شده، جوایز فرهنگی و فصلی ارزشمندی به آن‌ها اعطا خواهد شد.

بخش ویژه این جشنواره نیز که تیر ۹۹ برگزار می‌شود، به گلستان سعدی اختصاص یافته است. در این بخش دانشجویان می‌توانند با مطالعه حکایت‌های گلستان سعدی به‌طور ویژه در مسابقه «سه دقیقه با سعدی» شرکت کرده و به‌صورت روزانه و ماهانه جوایز خود را دریافت کنند.

دکتر حامد علی‌کبیرزاده، سرپرست سازمان انتشارات جهاددانشگاهی در تبیین اهداف این جشنواره اظهار کرد: شرایط خاص زندگی امروزی موجب شده جوانان تمایل کمتری به مطالعه داشته باشند و در این راستا نهادهای فرهنگی متولی این امر و کتاب‌خوانی باید راهکارهای نو و بدیعی را برای تشویق افراد به‌ویژه جوانان و دانشجویان اتخاذ کنند.

اکبرزاده با اشاره به اینکه جزئیات هر دو بخش اصلی و ویژه این جشنواره، هفته آینده اعلام خواهد شد، از علاقه‌مندان دعوت کرد اخبار و اطلاعات رویدادهای فرهنگی این مجموعه به‌ویژه جشنواره سه‌تاک را از طریق صفحه اینستاگرامی http://instagram.com/isbar و کانال پیام‌رسانی http://t.me/isbar و سایت سازمان به آدرس http://www.isbar.ir دنبال کند.

عکاسان خبری از خطرات و جذابیت‌های شغلشان در دوران کرونا می‌گویند

# تاریخ به عکاسی بحران نیاز دارد



عکاسان صنعتی (پایلی) خبرنگاران صدا و سیما

جشنواره‌های برگزار کنند تا علاوه بر ارزش‌گذاری برای عکاسان و حضور آن‌ها در شرایط سخت کرونا، آثار مختلف در این خصوص را نیز جمع‌آوری کنند تا آرشویی از این عکس‌ها ایجاد شود. حسامی‌نژاد بیان می‌کند: متأسفانه با پیگیری‌هایی که انجام دادم، علوم پزشکی قم در خصوص برگزاری چنین جشنواره‌ای اقدامی انجام نداد، در حالی که این موضوع بسیار مهم و لازم‌الاجراست.

### تغییر سوزه‌های کرونا

«کرونا یک مشکل بیولوژیک است؛ یعنی در دسته‌بندی بحران جزو بلایای طبیعی به حساب می‌آید. قواعد عکاسی از این بیماری همانند عکاسی بحران است ولی محافظت‌های خاص خود را دارد. البته تجربه عکاسی از کرونا نسبت به بحران‌های متفاوت‌تر است؛ زیرا معمولاً در مواردی مانند سیل یا زلزله می‌توانید مشکل را به صورت فیزیکی ببینید و می‌دانید در زمان زلزله نباید زیر سقف باشید و یا در زمان سیل در بلندنی قرار بگیرید».

مرتضی نیکوبند – عکاس خبری آژانس عکس سیپاپرس – که در ایام قرنطینه و اوج کرونا فعالیت بالایی داشته و اکنون نیز همچنان درباره کرونا و موضوعات مرتبط با آن به عکاسی می‌پردازد، ادامه می‌دهد: در مورد ویروس کرونا موضوع تا حدودی متفاوت است و شما با چیزی طرف هستید که به صورت فیزیکی برای مردم قابل لمس نیست و نمی‌توانید آن را ببینید؛ در نتیجه کار تا حدودی سخت می‌شود؛ زیرا ساتن به ساتن محیط اطراف

بیماری برای بیماران، پزشکان، پرستاران و خدمات بیمارستان ایجاد کرده، عنوان می‌کند.



امیر حسامی‌نژاد عکاس خبری خبرنگاری «تسنیم» در گفت‌وگو با خبرنگار ما معتقد است تاریخچه عکس‌هایی درباره کرونا نیاز دارد. او که سابقه ۲۰ سال عکاسی دارد و در همه بحران‌ها برای ثبت لحظه‌های مختلف حضور داشته، می‌گوید: با همه خطراتی که کرونا دارد اما نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود و باید تأثیرگذاری آن را در جامعه ثبت کرد. او ادامه می‌دهد: برای پرورش من به عنوان عکاس خبری سرمایه‌گذاری شده و به من به عنوان عکاس مسئولان مرتبط باشند تا بتوانند مجوز بگیرند. این لحظات را ثبت کنند، متأسفانه عکاسان باید به دنبال مسئولان مرتبط باشند تا بتوانند مجوز بگیرند. او یکی دیگر از مشکلات عکاسی را ورود عکاسان آزاد به حیطه عکاسان خبری عنوان می‌کند و توضیح می‌دهد: نمی‌گویم عکاسان آزاد از سوزه‌های خبری عکاسی نکنند، اما بهتر است از مکان‌ها و سوزه‌هایی عکس‌برداری کنند که برای عکاسان خبری مشکلی ایجاد نشود.

### تاریخ به عکس‌هایی در باره کرونا نیاز دارد

یکی دیگر از عکاسان خبری یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بحران ناشی از شیوع کرونا نسبت به سایر بحران‌ها را در ایجاد ضعف در شرایط روحی عکاس با توجه به تماشای شرایط سخت و نامناسبی که این

## تازه‌های نشر

### مرور «مطالعات پژوهشی ۱۴۷» با شهید مهدی لاجوردی

لاجوردی» که زندگی نامه سردار شهید مهدی لاجوردی از فرماندهان زرهی گردان امام سجاده(ع) می‌پردازد.

«روزهای لاجوردی» بیست و هفتمین کتاب از مجموعه بیست و هفتی‌ها به قلم مریم عرفانیان است که به زندگی‌نامه سردار شهید مهدی لاجوردی از فرماندهان زرهی گردان امام سجاده(ع) لشکر ۲۷ محمد رسول اله(ص) با بیانی روان و صمیمی

می‌پردازد. کتاب حاضر مخاطب را با خواندنی با واقعیت‌های زندگی سردار شهید از دوران کودکی تا زمان شهادت و بر اساس مصاحبه‌هایی که با خانواده و دوستان و همزمانش شده به دور از بزرگنمایی، شعارزدگی و خیال‌پردازی روبه‌رو می‌کند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: مسئولیت محمد چیست که آن قدر دیر مرخصی «سربین این روزها نمی‌دانست مسئولیت محمد چیست که آن قدر دیر مرخصی می‌آید. حالا او هم حس و حال اکرم را درک می‌کرد. هر دو بچه‌دار بودند و از طرفی تهران و اراک هم بیماران می‌شد و امنیت نداشت. یادش آمد آخرین باری که محمد جبهه می‌رفت، تولد سونیا را در نبود پدرش توی خانه مادرش جشن گرفتند و سونیا.»

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب ۳۱۹ صفحه‌ای را با قیمت ۳۰ هزار تومان از نشر بعثت تهیه و مطالعه کنند.

### اثری قابل اعتنا برای علاقه‌مندان به رمان تاریخی

**نیلستان:** «مهباد دختر کردستان» تازه‌ترین اثر منیرالسادات موسوی است. بانوی نویسنده‌ای که پیش از این کتاب‌های «عشق بدون مرز» و «زنج‌های عاشق» نیز از وی در انتشارات نیستان منتشر شده است. موسوی در این کتاب داستانی را در روزهای پراشوب منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی روایت می‌کند؛ روایتی عاشقانه و پرهیجان از دل روزهای پر تب و تاب دانشگاه تهران در بحبوحه سال‌های پایانی حکومت پهلوی. دختر جوانی که در رشته علوم سیاسی در دانشگاه تهران درس

می‌خواند و به وضوح با بسیاری از هم‌دوره‌ای‌های خود متفاوت است. دختر خانوادهای شیرازی دارد و وضع مالی نسبتاً متوسطی در زمره دانشجویان مسلمان و مقید است و بسیاری از آداب دانشجویی در زمانه خودش را به خوبی ادا می‌کند، اهل کنفوردی است و مطالعه و موضوعاتی از این دست، داستان کتاب از مواجهه عجیب پسر جوانی با نام شوان با وی آغاز می‌شود. پسری که مدعی است مدت‌هاست او را زیر نظر دارد و در همان مواجهه اولش از او خواستگاری می‌کند. دختر بی‌تجربه ازدواج شوان را می‌پذیرد و همین مسئله او را وارد یک ماجرای پرتعلیق و طولانی می‌کند.

با چنین پشتوانه‌ای داستان بلند «مهباد دختر کردستان» یک اثر داستانی قابل اعتنا و خواندنی برای تمامی علاقه‌مندان به آثار داستانی تاریخی ایرانی است که از داستان چیزی بیشتر از قصه و از تاریخ چیزی بیشتر از بیان مطول حوادث را انتظار دارند. رمان «مهباد دختر کردستان» در ۷۰۶ صفحه و قیمت ۱۵۵ هزار تومان منتشر شده است.

### تونل‌هایی که به تغییر هویت می‌رسند

**چشمه:** رمان «مرد زیرزمینی» نوشته میک جکسون با ترجمه میثم فرجی از سوی نشر چشمه منتشر شد. برخی این رمان را شاهکار میک جکسون دانسته‌اند. این اثر نخستین بار در سال ۱۹۹۷ منتشر شد و او را نامزد جوایز بسیار مهمی از جمله بوکر کرد. این رمان داستانی با چند راوی است. روایتی که قصه خود را به شکل روزنوشته ساخته‌اند.

قهرمان اصلی رمان یک نجیب‌زاده ویکتوریایی است. این نجیب‌زاده قدرتمند که املاک فراوانی دارد

و بر جهان خود مسلط است تصمیم می‌گیرد تونل‌هایی عظیم زیر املاک و زمین‌هایش حفر کند. تونل‌هایی که به راحتی کالسکه از داخلشان عبور می‌کند و تمام منطقه را از زیر زمین به هم پیوند می‌دهند. این تونل‌ها کم کم هویت او را تغییر می‌دهند و اتفاق‌هایی آیمخته با نوعی تلخی طنزآلود همراه با نوعی دگرذیبی عمیق را رقم می‌زنند.

در بخشی از داستان این کتاب آمده است: «وقتی می‌خوایم به بادبادک بازی می‌رویم، اما خودمان هم بادبادک هستیم و هم بادبادک‌باز. اما اگر همه دنیا شب‌ها بادبادک بازی کنند، آسمان باید پر از نخ باشد. خیلی خطرناک است.

سؤال: وقتی دو ریسمان به هم می‌پیچند چه اتفاقی می‌افتد؟ چون احتمال چنین اتفاقی زیاد است. آیا امکان دارد دومی به اشتباه از ریسمان کسی دیگر بایبب بیاید و پس از بیداری متوجه شود در بدن یک غریبه ساکن شده است؟»

شما می‌توانید آلوده باشد. او تصریح می‌کند: در زمان زلزله یا سیل با رعایت نکاتی می‌توانید تا ۹۰ درصد مصون باشید، ولی در مورد کرونا در خوشبینانه‌ترین حالت تا ۵۰ درصد امکان ابتلا نشدن وجود دارد؛ زیرا مثلاً برای یک عکاس اگر حتی دستکش و ماسک داشته باشد و وسایلی خود را ضد عفونی کند، باز هم تا یک حد خاص امکان ضدعفونی کردن ضدعفونی دوربین نیست و ممکن است از همین طریق به بیماری مبتلا شود. اگر هم بتواند همه بخش‌های دوربین خود را ضدعفونی کند، امکان آسیب رسیدن به دوربین وجود دارد». نیکو بذل در خصوص مدت عکاسی از کرونا می‌گوید: همان اوایل اسفند که نخستین موارد مشکوک بیماری یافت‌در بیمارستان‌های یافت آباد بستری شدند، کار من با موضوع کرونا کلید خورد. نکته جالب در مورد این ویروس، تغییر مداوم سوزه‌ها و تعداد شاخه‌های زیاد برای پرداختن به این موضوع است.



نیکوبذل در ادامه برای توضیح بیشتر، نمونه‌ای را مثال می‌زند و توضیح می‌دهد: فرض کنید زمانی که از سیل به عنوان یک بحران طبیعی عکس می‌گیرید، محل سیل، سیل‌زده‌ها و کلب آن‌ها برای عکاسی وجود دارد. پس از حادثه نیز می‌توان از بازسازی مکان‌ها و فضاهای تخریب شده بر اثر سیل عکاسی کرد و پس از یک هفته تا ۱۰ روز اعلام می‌کند وضعیت به حالت ثابت رسیده و دیگر مورد کرونا پس از گذشت سه ماه، از تعداد سوزه‌ها کم نشده و شاید شکل آن‌ها تغییر کرده و حتی سوزه‌های قبلی اضافه شده باشد. «همچنین هنوز به مرحله‌ای نرسیده‌ام که بگویم اکنون بازسازی پس از بحران را به تصویر بکشیم، بلکه این ویروس هنوز در جریان است و اتفاق می‌افتد. مثلاً یکی از مواردی که با کرونا با آن مواجه شدیم، مشکلات اقتصادی است که البته باید برنامه و با نقطه نظر خاصی را برای به درستی به تصویر کشیدن این موضوع در نظر بگیریم؛ زیرا در بخش‌های زیادی نیاز داریم وارد زندگی خصوصی مردم شویم و برای این کار باید راهی برای بدست آوردن اعتماد آن‌ها پیدا کنیم.» او در پایان گفت: کرونا بیشتر موجب شکوفایی عکاسی خبری شد و نشان داد چه کسانی واقعاً مرد عمل هستند و چه کسانی بیشتر شیفته شکل‌شاید زیبایی خیر باشند که البته عکاسی خبری هیچ معنتر زیبایی ندارد و تنها بخش هیجان‌انگیز آن شاید زمانی باشد که عکس در یک روزنامه یا سایت معتبر منتشر می‌شود. آن دسته از عکاسان خبری که بیشتر شیفته شکل ظاهری عکاسی خبری شده بودند و فکر می‌کردند شکل ظاهری خوبی دارد، اکنون حضور ندارند.

## پشت‌ویترین



شده سر هم کند و پس از روی کاغذ آمدن هیچ تغییری از هر نظر در آن ندهد- اما این نویسنده به نوبه خود برکنار از رفتارهای خرافی نبود. هیچ کسی کار کردن وی را به چشم ندید، علامت «مراحم نشوید» که پشتش در اتاق او آویزان بود، شوخی‌بردار نبود. در طول نوشتن هر رمان اصرار داشت پیوسته یک لباس تنش باشد. در جیب پیراهنش مقداری قرص آرامبخش می‌گذاشت تا در صورت نیاز اضطرابی را که در ابتدای شروع هر اثر جدید به او دست می‌داد، کم کند. در آغاز و در پایان هر کتاب خود را وزن می‌کرد، طبق محاسبه او هر کتاب نزدیک یک لیتر و نیم عرق از او می‌کشید.»